

اسباب اختلاف بین مسلمانان؛ بخش ششم



www.taqrab.ir

عصبیت

حجۃ الاسلام و المسلمين دکتر احمد شفیعی نیا

دوست‌داشتن کسی یا چیزی یا عقیده‌ای را بدون درنظرگرفتن هرگونه انصاف و عقلانیتی تعصب مذموم گویند؛ به‌طوری‌که شخص متعصب جز خود و داشته‌ها یش دیگران را چیزی به حساب نیاورد.

امام سجاد (علیه السلام) در این زمینه می‌فرمایند: «الْعَصَبِيَّةُ الَّتِي يَأْثَمُ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا أَن يَرَى الرَّجُلُ شَرَارَ قَوْمِهِ خَيْرًا مِنْ خَيْرَيْهِ أَخْرَيْنَ، وَ لَيْسَ مِنْ الْعَصَبِيَّةِ أَن يُحِبَّ الرَّجُلُ قَوْمَهُ، وَ لَكِنْ مِنْ الْعَصَبِيَّةِ أَن يُعْ恨َ قَوْمَهُ عَلَى الظُّلْمِ»^[1] تعصب‌ورزیدنی که به‌خاطر آن، شخص متعصب مرتكب معصیت می‌شود این‌گونه است که انسان افراد شرور از فامیل خود را از خوبان دیگران بهتر بداند؛ در غیر این صورت صرف دوست‌داشتن فامیل، تعصب نیست. بلکه تعصب این است که فامیل خود را در راهی که به ظلم منجر می‌شود باری کند».

قرآن کریم این نوع تعصّب را از ویژگی‌های شیطان و مشرکان برشمرده است که موجب خود پسندی و تکبّر است و زمینه اصلی تفرقه را فراهم می‌آورد.

1. عامل تکبّرزا

خداآوند درباره ابلیس چنین می‌فرماید: ﴿قَالَ مَا مَنَعَكَ أَنْ لَا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَّمَا خَيْرٌ مَّنْ ذَهَبَ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ﴾ [21] خداوند به ابلیس فرمود: در آن هنگام که به تو فرمان دادم، چه چیز تو را مانع شد که سجده کنی؟ گفت: من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل.

امیرالمؤمنین(علیه السلام) علت مخالفت شیطان را این‌گونه بیان می‌فرماید: «إِعْنَتَرَضَتْهُ الْجَاهِيَّةُ فَأَفْتَخَرَ عَلَى آدَمَ بِخَلْقِهِ وَ تَعَصَّبَ عَلَيْهِ لِأَصْلِهِ؛ فَعَدُوُّهُ إِمَامُ الْمُتَعَصِّبِينَ وَ سَلَفُ الْمُسْتَكْبِرِينَ، الْأَذْيَ وَ ضَعَ أَسَاسَ الْعَصَبَيَّةِ، وَ نَازَعَ إِرْدَاءَ الْجَبَرِيَّةِ» [3] ابلیس را خود پسندی فرا گرفت؛ از این‌رو با خلقت خود بر آدم فخر فروخت و به‌خاطر اصل خود بر او تعصّب ورزید. پس او دشمن خدا و امام تعصّب‌ورزان شد و از پیش‌گامان مستکبرین گردید. او همان کسی است که پایه تعصّب را نهاد و در مقابل خداوند لباس تکبر برتن نمود. آن حضرت در بیانی دیگر عصبیت ممدوح را این‌گونه تبیین فرمودند: «إِنْ كُنْتُمْ لَا مُحَالَةَ مُتَعَصِّبِينَ فَتَعَصَّبُوا لِنُصُرَةِ الْحَقِّ وَ إِغَاثَةِ الْمَلِهُوفِ» [4] اگر ناچارید که متعصّب باشید، پس برای باری‌کردن حق و نجات گرفتار تعصّب داشته باشید».

2. عامل تفرقه

خداآوند در اجتناب‌دادن مؤمنان از تعصّب این‌گونه می‌فرماید: ﴿وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ * مِنَ الْأَذْيَنَ فَرِّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شَيَّعاً كُلُّهُمْ بِرِبِّهِمْ فَرِّجُونَهُمْ﴾ [15] و از مشرکان نباشید؛ از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته‌ها و گروه‌ها تقسیم شدند و [عجب اینکه] هر گروهی به آنچه نزد آن‌هاست [دلبسته و خوشحال]‌اند. البته همین تعبیر را در آیاتی دیگر راجع به کفار دارد. [6] از این‌رو در روایات اسلامی، از عصبیّت نهی شده است:

1. پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلام) فرمودند: «مَنْ تَعَصَّبَ أَوْ تُعَصِّبَ لَهُ، فَقَدْ خَلَعَ رَبْقَ الإِيمَانِ مِنْ عُنْدُقِهِ»^[17] هر کس تعصب ورزد یا به نفعش تعصب ورزیده شود، همانا از دایرۀ ایمان خارج شده است.

2. امام صادق(علیه السلام) فرمود: «مَنْ تَعَصَّبَ، عَصَبَهُ إِنْ بِعَصَابَةٍ مِنْ زَارِهِ»^[18] هر کس تعصب بورزد، خداوند پیشانی‌بند آتشینی بر دور سرش می‌بندد.

روايات اهل سنت

1. پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلام) فرمود: «لَيْسَ مِنْهَا مَنْ دَعَاهَا إِلَيْ عَصَبَيْتَهِ، وَ لَيْسَ مِنْهَا مَنْ قَاتَلَ عَلَيْ عَصَبَيْتَهِ، وَ لَيْسَ مِنْهَا مَنْ مَاتَ عَلَيْ عَصَبَيْتَهِ»^[19] از ما نیست کسی که به تعصب ورزی دعوت کند و از ما نیست کسی که به خاطر تعصب بحنگد و از ما نیست کسی که با عقیدۀ ای متعصباً نه از دنیا برود.

2. ابن عباس نقل می‌کند: پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلام) فرمود: «هَلَّا إِمْتِي فِي ثَلَاثَةِ فِي الْعَصَبَيْتَهِ، وَ الْقَدَرِيَّةِ، وَ الرِّوَايَةِ مِنْ غَيْرِ تَثْبِيَّتٍ»^[10] سه چیز امت مرا هلاک می‌سازد: تعصب ورزی، اعتقاد به قدر و نقل روایت بدون دقت در آن.^[11]

از ابتدای حرکت بیدارگر انقلاب اسلامی در ایران، ایجاد تفرقه و تحریک تعصب فرقه ای میان مسلمانان همواره یکی از نقشه‌های دشمنان و استعمارگران در راه رسیدن به اهداف خود در جوامع اسلامی است. از این رو کوبیدن بر طبل قومیت گرایی و مذهب گرایی اصلی ترین عامل تفرقه و دست آویز دشمنان برای شکستن هیمنه و انسجام مسلمانان بوده است. و از آنجا که نقش مذهب و قومیت گرایی در زمینه سازی برای تفرقه و تجزیه طلبی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است؛ همیشه مورد توجه دشمنان اسلام و انسجام مسلمانان بوده است، تا با برانگیختن تعصبات قومی - مذهبی زمینه اغتشاش و تفرقه را کلید بزنند.

. [2]. اعراف: 12.

. ابن‌الحديد، شرح نهج البلاغه، خ 192 و 286 . [3]

. آمده، غرر الحكم، ص373 . [4]

. روم: 31- 32 . [5]

. فتح: 26 . [6]

. [7]. كلينى، الكافي، ج 2، ص307، ح 1 و 2 .

. همان، ص308، ح ٤ . [8]

. [9]. سجستاني، سنن أبي داود، ج 2، ص503، ح 121 .

. [10]. متقي هندى، كنز العمال، ج 16، ص66، ح 43902 .

. [11]. مقصود از قدریّه، گروهی هستند که تقدیری بودن خیر و شر را از سوی خدا نفي کرده‌اند و خیر و شر را مطابق مشیت خداوند نمی‌دانند. اینان به دلیل مبالغه در نفي تقدیر از خداوند، قدریّه نامیده شده‌اند .